

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۱۱ اپریل ۲۰۱۴

آداب جنازه

۴

غسل دادن شوهر به زن:

غسل دادن و تکفین و تدفین زن توسط شوهر جایز است، و این که با مرگ یکی از زوجین محرمیت بین آنها باقی نمی ماند این رای نادرست است.

علامه البانی رحمة الله در «کتاب الجنایز» می گوید:

«زن و شوهر می توانند یک دیگر را غسل دهند و هیچ گونه مانعی وجود ندارد. زیرا اصل بر جواز است و علاوه بر آن، دو حدیث در تأیید آن آمده است:

۱- «لَوْ كُنْتُ اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أُخْرَى مَا اسْتَنْبَرْتُ مَا غَسَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَيْرُ نِسَائِهِ». عائشه گفت: آنچه را که هم اکنون برایم روشن است اگر قبل از این می دانستم، رسول خدا را جز همسرانش، کسی دیگر غسل نمی داد. احمد، دارمی، ابن ماجه (۱۴۶۴)، ابویعلی، دارقطنی و بیهقی.

۲- «رَجَعَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ جَنَازَةٍ مِنَ الْبَقِيعِ وَأَنَا أَجِدُ صُدَاعًا وَأَنَا أَقُولُ وَرَأْسَاهُ قَالَ بَلْ أَنَا يَا عَائِشَةُ وَرَأْسَاهُ قَالَ وَمَا صَرَكَ لَوْ مَتَّ قَبْلِي فَغَسَّلْتُكَ وَكَفَّنْتُكَ وَصَلَّيْتُ عَلَيْكَ وَدَفَّنْتُكَ».

یعنی: عائشه می گوید: «رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از اقامه نماز جنازه در بقیع، نزد من آمد. من سر درد شدیدی داشتم و فریاد می زدم. وای سرم! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: من نیز سر درد دارم و افزود: به تو چه ضرری می رسد، اگر قبل از من بمیری، من تو را غسل می دهم، کفن می کنم و بر تو نماز می خوانم و دفنت می کنم». ابن ماجه (۱۴۶۵)، حاکم، بیهقی و حاکم آن را با شرایط بخاری و مسلم صحیح میدانند.

و استاد سید سابق رحمة الله در کتاب «فقه السنة» می نویسد:

«پیروان مذهب امام ابو حنیفه گفته اند:

مرد نمی تواند جسد مرده همسرش را غسل دهد و اگر به جز شوهر کسی نباشد که او را غسل دهد، شوهر باید او را تیمم دهد. ولی مفاهیم احادیث خلاف گفته آنان را اثبات می کند».

جمهور فقها غسل دادن جسد زن از طرف همسرش را جایز می دانند، زیرا روایت شده است که علی رضی الله عنه فاطمه همسرش را غسل داد و دفن نمود. دارقطنی و بیهقی آن را نقل کرده اند.

و در «نهایة الارب» آمده که ابوبکر رضی الله عنه وصیت کرد که همسرش اسماء بنت عمیس او را غسل دهد و در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه وسلم او را دفن کنند.
بنابراین مانع شرعی دیده نمی شود که زوجین جسد يك دیگر را پس از مرگ بشویند و یا تکفین نمایند.

تغسیل شخصی مشکل خنثی :

در مورد این که شخص مشکل خنثی را مرد تغسیل کند یا زن بین فقها موضوع اختلافی می باشد:
پیروان فقه حنفی:

پیروان مذهب امام حنیفه بدین نظر اند که میت شخصی مشکل خنثی باید با خاک تیمم کرده شود، زیرا نمی شود او را غسل کرد، از آنجائی که معلوم نیست که آیا مرد است و یا زن، و اگر زن غسلش را به عهده بگیرد شاید او مرد باشد، و اگر مرد غسلش را به عهده بگیرید شاید او زن باشد و جائز نیست که زن و مرد (به جز زوجین) عورت همدیگر را ببینند چه در حال زنده و چه مرده و حتی در حال مرده که او را تیمم می کنند، بهتر است که محرم او را تیمم کند، که در اینصورت نیازی به پیچیدن دستمال به دست هنگام تیممش نیست، ولی اگر مرد نامحرم او را تیمم کند باید توسط دستمال و یا چیز دیگری مرده را تیمم دهد تا مرده را لمس نکند و هنگام تیمم کردنش به دستانش نگاه نکند زیرا شاید زن باشد.

پیروان فقه شافعی:

پیروان مذهب شافعی بدین نظر اند که اگر این شخص دو جنسه نا بالغ و کوچک باشد و محرم موجود نباشد، جائز است که زن و یا مرد نامحرم او را غسل دهد، ولی اگر این شخص دوجنسه بالغ باشد و یا نابالغ باشد ولی بزرگ باشد، در اینصورت تیمم کرده می شود و سپس دفن می شود، و در قول دیگر این مذهب می گویند که غسل کرده می شود چه توسط زن و چه توسط مرد.

پیروان فقه حنبلی:

پیروان مذهب حنبلی بدین نظر اند که اگر این شخص دو جنسه هفت سال و یا بیشتر داشته باشد، در اینصورت تیمم کرده می شود توسط دستمال و یا چیز دیگر تا مرده را لمس نکند، و مرد اولی تر است که این تیمم را به عهده بگیرید. و در مورد کفن پیچانیدن او، بهتر است با پنج قطعه کفن پیچانده شود زیرا اگر زن بود سنت تطبیق شده، زیرا زنان را پس از مرگ باید با پنج قطعه کفن پیچید، و اگر مرد بود برای پیچیدنش دو قطعه کفن بیشتر استفاده شده و اشکالی ندارد، زیرا سنت است برای مردان سه قطعه کفن استفاده کرد، ولی اگر بیشتر باشد اشکالی ندارد. و هنگام نماز خواندن روی میت مشکل خنثی، اگر همراه مردان و زنان دیگر باشد، باید جسدش را ما بین میت مرد و میت زن قرار داد، زیرا در حال حیاتش باید در نماز جماعت ما بین صف مردان و زنان بایستد، بنابراین این مسأله در حال مرگش نیز رعایت می شود.

و اگر با مردگان دیگر در یک قبر دفن شود، اگر جسد دیگر مرد بود، جسد خنثی پشت جسد مرد قرار می گیرد و حاجزی بین آنها گذاشته می شود، و اگر با جسد زن در یک قبر گذاشته شود، جسد دو جنسه را جلو جسد زن قرار می دهند.

دادن پول به مُرده شوی:

غسل دادن میت مسلمان از عباداتی است که الله متعال آن را بر مسلمین واجب کرده اند، بنابراین شایسته است برای کسب اجر و خشنودی خداوند اقدام به غسل جنازه کرد نه به خاطر کسب مال ..

اما اگر به غسل، بعد از فراغت از کارش مقداری پول بدهند - بدون آن که در ابتدای امر چنین شرطی کرده باشند، کدام مانعی در آن دیده نمی شود که آن پول را بگیرد.

و اگر غسل شرط بگذارد که میت را نمی شوید مگر در ازای فلان چیز، این حرام نیست و جایز است، اما با این کار در واقع اجر و ثواب خویش را نزد الله متعال کم کرده است.

در کتاب «کشاف القناع» (۸۶/۲) آمده: «گرفتن دستمزد برای شستن میت و تکفین و حمل و دفن آن مکروه است، و امام احمد گرفتن پول توسط غسل و قبر کن بابت کارشان را مکروه دانسته مگر آن که محتاج باشند، که در آنصورت از بیت المال به او پول داده می شود، اگر (از بیت المال) مقدر نبود، به اندازه کارش به او داده شود».

از شیخ ابن عثیمین سوال شد: آیا گرفتن اجرت در مقابل غسل و تکفین جنازه جایز است؟

جواب فرمودند: «اگر این اجرت بدون شرط (اولیه) بوده باشد، شکی در جواز آن نیست و ایرادی ندارد، زیرا این پول؛ پاداشی برای این غسل و تکفین کننده بابت کارش است، و پیامبر علیه الصلاة والسلام فرمودند: «مَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافِرُوهُ». یعنی: «کسی که در حق شما نیکی انجام داد، او را پاداش دهید». حدیث صحیح است؛ ابوداود (۱۶۷۲) و نسائی (۲۵۶۶).

اما اگر این اجرت قبلاً شرط شده باشد، بدون شک این موجب کاهش ثواب غسل و تکفین کننده می شود، زیرا شخص غسل دهنده و تکفین کننده میت اجر بزرگی می برند؛ چرا که شستن و تکفین میت فرض کفائی هستند؛ و لذا اجر و ثواب فرض کفایه به غسل و تکفین کننده می رسد، اما اگر بابت کارش اجرت درخواست کند، در واقع ثواب کارش کاهش می یابد، هر چند اگر پولی درخواست کند ایرادی بر آن نیست؛ زیرا این پول در مقابل کاری است که برای دیگران انجام داده است، و جایز است برای هر کاری که برای دیگران انجام شود اجرت طلب نمود، همانگونه که گرفتن اجرت در برابر آموزش قرآن جایز است». «فتاوی نور علی الدرب» (۳۶/۷).

همچنین از علمای هیأت دائمی افتاء سوال شد: حکم گرفتن پول بابت شستن میت چیست؟ چه این دستمزد از اول شرط شده باشد یا خیر؟

پاسخ دادند: «جایز است، ولی بهتر آنست که در صورت امکان کارش را از باب تبرع انجام دهد».

«فتاوی اللجنة الدائمة» (۱۱۲/۱۵).

شیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز .. شیخ عبد الرزاق عقیفی .. شیخ عبد الله بن غدیان .. شیخ عبد الله بن قعود.

غسل بر مرده شوی:

آیا بر مرده شوی بعد از انجام غسل میت غسل واجب می گردد یا خیر؟

برخی از علماء بدین نظر اند که بر مرده شوی به اساس حدیثی «وَمَنْ غَسَلَ مِيتًا فَلْيَغْتَسِلْ وَمَنْ حَمَلَهُ فَلْيَتَوَضَّأْ». (هر کس مرده‌ای را غسل دهد باید غسل نماید، و هر کس او را حمل نماید باید وضو بگیرد)، غسل مستحب است.

بسیاری از علماء سند این حدیث را ضعیف دانسته‌اند، و برخی هم اسناد آن را صحیح دانسته‌اند، و دسته‌ای دیگر در متن آن توقف نموده‌اند و گفته‌اند: موجبی برای غسل کردن وجود ندارد، چون غسل دهنده با چیزی برخورد نکرده است که موجب غسل باشد، و به همین سبب در حدیث مذکور تردید نموده‌اند، اما آنهایی که آن را صحیح پنداشته‌اند حکم آن را بر استحباب حمل کرده‌اند و گفته‌اند غسل کردن برای کسی که مرده‌ای را غسل دهد مستحب است، بعضی از علماء وضو برابر غسل دهنده را واجب دانسته به شرطی که غسل نکرده باشد، گفته‌اند: غسل کردن سنت مؤکده است، ولی اگر غسل ننماید وضوء بر او واجب است، و این کمترین چیزی است که بر او واجب می‌گردد.

کفن مُرده :

لازم است که کفن مرده از مال خاص آن که حق غیر به آن تعلق نداشته باشد داده شود و اگر مال خاص نداشت کفن وی بالای کسانی لازم است که در زندگی نفقه بالای او لازم بود و اگر مرده اقارب نداشت کفن او از مال بیت المال داده شود و اگر بیت المال هم نبود بالای سایر مسلمانان فرض کفائی است تا مرده را کفن و هم مصارف مقبره و دفن او را بپردازند، بهتر است برای مرده کفن سفید پوشانده شود.

در حدیث شریف آمده است: « **لَبَسُوا الْبِيَاضَ فَانْهَمَا اطَّيْبَ وَاطْهَرَ وَكَفَّنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ** » (لباس های سفید بپوشید، چون بهتر است و پاک تر است و مردگان خود را در آن ها کفن کنید) برای مرد سنت است که سه جامه ازار، قمیص و قدیفه داده شود و به دو جامه هم اکتفاء درست است.

برای زن و دختر سنت است پنج جامه داده شود که عبارت است:

- ۱- ازار از سر تا پای مانند مرد.
 - ۲- لفافه که از ازار کرده چهار آر دراز باشد.
 - ۳- قمیص بدون آستین و بدون بند های پای مانند مرد.
 - ۴- سینه بند از زیر بغل تا زانو اگر زیاد باشد خوب ورنه تا ناف هم صحیح است و پهنی اش آنقدر باشد که بسته شود.
 - ۵- سر بند یعنی سر پیچک سه دست دراز باشد غرض آن که کفن زن مانند کفن مرد در سه می باشد البته دو زیادی می باشد یعنی سینه بند و سر بند یعنی سر پیچک.
- نباید فراموش کرد که در صورت ضرورت می توان به سه جامه هم اکتفاء نموده، طوری که برخی علماء می فرمایند: در حال اشد ضرورت تنها پوشیدن عورت اگرچه به خس و خاشاک هم باشد، کفایت می کند.

تبصره:

کفن مسنون مرده به سه قسم است.

إزار : (از فرق سر تا به قدم).

پیراهن یا قمیص : (بدون آستین و جیب و بدون تکمه از ابتدای گردن تا قدم)

لفافه : (که تمام بدن را می پوشاند و کمی از ازار درازتر می باشد تا امکان بسته شدن آن بلند تر از سر و پائین تر از پا موجود باشد.

یادداشت توضیحی :

طوری که در فوق یاد آور شدیم، مستحب است، که کفن میت باید سفید باشد زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم بدان ارشاد فرموده اند: «**الْبُسُورُ مِنَ الثِّيَابِ الْبَيَاضِ فَإِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ وَكَفَّنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ**». (لباس سفید بپوشید. زیرا لباس سفید بهترین لباس شما است و مردگان را نیز در پارچه سفید کفن کنید). (ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، بیهقی، احمد) همچنان کفن را سه بار، مواد خوشبو بزنند. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «**إِذَا جُمِرْتُمُ الْمَيِّتَ فَاجْمُرُوا ثَلَاثًا**». (هرگاه میت را مواد خوشبو زدید، سه بار بزنید). (احمد، ابن ابی شیبه، ابن حبان، حاکم، بیهقی و حدیث صحیح است.)

- نباید برای کفن تکه قیمتی و همچنین بیشتر از سه قطعه جایز نیست. زیرا این کار، خلاف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و تضییع مال است و شریعت از اسراف، منع کرده است. به خصوص اگر زندگان به آن ضرورت داشته

باشند. رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا قَبِيلَ وَقَالَ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ». (خداوند سه چیز را برای شما حرام کرده است: بحث و جدل، ضایع کردن مال و به کثرت سؤال کردن را). (بخاری و مسلم) خواننده محترم!

برای خود کفن تیار کردن مکروه نیست ولی نباید فراموش کرد که برای خود قبر تیار کردن قبل از مرگ مکروه می‌باشد، (حکم تفصیلی آن بعداً بیان می‌گردد). به خاطر تبرک شستن کفن و یا هم تر کردن کفن با آب زمزم باعث علی البرکت کفن می‌شود.

کفن دادن مُرده:

هنگامی که می‌خواهید مُرده را بعد از غسل، در کفن بگذارید او را به پهلوئی چپ می‌اندازیم، اگر بیم آن بود که کفن از بالای متوفی پس شود، می‌توانند تاروی را بر بالای کفن از بالا و پایان بسته کنند.

ترتیب پوشاندن کفن زن:

برای زن‌ها اول پیراهن بعد از آن موهای او دو دسته شود که به سینه راست و چپ وی انداخته می‌شود بعداً قطیفه بالای سر او انداخته می‌شود که طرف راست آن را به زیر بغل چپ و طرف چپ به زیر بغل راست نهاده و بعداً خرقة را بالای آن بسته نمایند بعد از آن ازار و در اخیر لفافه را بروی بیوشانند اگر خوف پراکنده شدن کفن بود بالا و پائین کفن را بسته نمایند.

ترتیب پوشاندن کفن مرد:

اول پیراهن بعد از آن ازار و بعد از آن لفافه پوشانیده می‌شود. کفن زن: علاوه بر سه لباس فوق یک چادر بر موهای زن می‌بندند این چادر موازی به طول موهای او است که آویزان می‌شود و یک لباسی که بر سینه او زیر بغل تا زیر زانوی او نیز می‌افزایند، موهای زن را پیش از کفن شدن به دو گیسو می‌بافند. آیا تکفین میت در غیر لباس سفید جائز است؟

در جواب باید گفت: بلی جائز است. شرع اسلامی در مورد کدام ممانعت نمی‌بیند. ولی استفاده کردن از تکه سفید برای کفن مستحب می‌باشد. طوری که قبلاً گفتیم در حدیثی از ابی‌داوود روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «البسوا من ثيابكم البيضاء فإنها من خير ثيابكم وكنفوا فيها موتاكم» (اخراج ابوداوود (۱۷۶/۴) و ترمذی (۱۳۲/۲) لباس‌های سفیدتان را بپوشید که از بهترین لباس‌های شما است، و مرده‌هایتان را در آن کفن نمائید.

حکم تابوت :

گذاشتن جنازه مسلمان داخل تابوت و دفن او به همراه آن در درون قبر جایز نیست، زیرا سنت مسلمانان از زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم تاکنون بر آن بوده که جنازه را پس از غسل، و تکفین وی در سه پارچه سفید، در درون قبری - به صورت لحد یا شق (لحد به معنی حفر در پهنای قبر در جهت قبله، و شق به معنی ضریح یعنی حفر در جهت پائین مانند نهر) - دفن می‌کردند بدون آن که جنازه را داخل محفظه ای شبیه تابوت کنند و این از رسوم و سنت کفار است که جنازه را داخل تابوت می‌گذارند، و برای مسلمانان جایز نیست که از رسوم کفار تقلید کنند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «من تشبه بقوم فهو منهم» رواه احمد و غیره بسند جيد. یعنی: «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنها است».

بنابر این گذاشتن میت در تابوت جایز نیست و عایشه رضی الله عنها می گوید: « إن رسول الله صلى الله عليه وسلم كفن في ثلاثة أثواب يمانية بيض سحولية، من كرسف، ليس فيهن قميص، ولا عمامة» بیهقی (۳ / ۳۹۹) وأحمد (۲۳۱)، (۲۶۴).

یعنی: رسول خدا صلی الله علیه وسلم را در سه پارچه یمنی سفید و کتانی، کفن کردیم که در آنها پیراهن و عمامه وجود نداشت.

و از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که گفت: « دخل قبر النبي صلى الله عليه وسلم العباس و علي و الفضل و سوی لحدہ رجل من الانصار و هو الذی سوی لحد قبور الشهداء يوم البدر».

یعنی: عباس، علی و فضل در قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم داخل شدند. مردی از انصار لحد قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم را آماده کرد. او همان کسی بود که لحد قبرهای شهدای بدر را در روز بدر آماده کرده بود. طحاوی در «مشکل الآثار»، وابن الجارود (۲۶۸) وابن حبان (۲۱۶۱).

امام نووی در المجموع می گوید: «علماء بر این اجماع دارند که هم لحد و هم راست گور هر دو مشروع هستند. با این تفاوت که در زمین سخت که در آن خطر ریزش وجود ندارد لحد و در غیر اینصورت راست گور بهتر است». در فتوای هیأت دائمی افتاء آمده: «گذاشتن جنازه داخل تابوت در عهد رسول خدا صلی الله علیه وسلم و عهد صحابه رضی الله عنهم و در عهد خیروالقرون که بر منهج صحابه بودند رسم نبوده است، و بنابر این گذاشتن میت داخل تابوت مکروه است، حال چه زمین (قبر) سخت و سفت باشد یا نرم و سست یا تر و مرطوب باشد و اگر متوفی وصیت کرده باشد که وی را داخل تابوت بگذارند نباید وصیتش تنفیذ گردد، تنها شافعیه گفتند: اگر زمین قبر نرم و سست یا مرطوب باشد جایز است در تابوت دفن شود، ولی اگر زمین سفت و سخت باشد وصیت متوفی تنفیذ نمی گردد مگر در حالت زمین نرم». «فتاوی اللجنة الدائمة» (۳۱۲/۲).

و در کتاب "دائرة المعارف فقهی" آمده: «دفن میت در تابوت به اجماع (مذاهب) مکروه است، زیرا اینکار بدعت است، و اگر کسی به آن وصیت کند تنفیذ نمی شود، و اما اگر مصلحتی در آن باشد مکروه نیست، مثلاً میت سوخته (و بر اثر آن متلاشی شده) باشد و نیاز باشد که جسدش در تابوت گذاشته شود».

سر جنازی :

در این اواخر دیده می شود که بالای جنازه سر جنازی که مزین به آیات قرآنی می باشد، پهن می کنند، قابل تذکر است که این سر جنازی جز کفن محسوب نمی گردد و در استعمال آن هم کدام حرج نمی باشد.

یادداشت ضروری :

قابل توجه است که استعمال عطر و خوشبوئی کفن و میت از اعمال مسنونه بوده ولی در برخی از اوقات دیده می شود که تعدادی از مردم در کفن هم عطر می زنند و هم پنبه عطر آلود را در گوش مرده می گذارند، این رسم بدون دلیل، جهالت است و کدام چیزی که در شرعیت آمده است از آن نباید به امور اضافی اقدام نمایم.

تعجیل و معطلی در دفن میت:

واقعیت امر اینست که در شرع اسلامی هیچ نصی (از قرآن عظیم الشان و احادیث صحیحی نبوی) وارد نشده است که در آن مدت زمان مشخصی را برای دفن میت، تکفین و تدفین جنازه تعیین نموده باشند، بنابر این نمی توان مشخصاً گفت که تا چه اندازه تأخیر در دفن جنازه جایز است.

اما آنچه که از نصوص احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم در می یابیم اینست که باید در تدفین میت تا حد ممکن باید شتاب صورت گیرد، طوری که در حدیثی می خوانیم: «أَسْرِعُوا بِالْجَنَازَةِ فَإِنَّ تَكُ صَالِحَةً فَخَيْرٌ نُقَدَّ مُوْنَهَا وَإِنْ تَكُنْ سَوِيًّا ذَلِكَ فَسُرٌّ تَصْعُوقُهُ عَن رِقَابِكُمْ». بخاری و مسلم و اصحاب سنن.

یعنی: جنازه را با شتاب، به طرف گورستان ببرید. اگر نیکوکار باشد، او را به سوی خیر و برکت پیش می برید و اگر نه شری را از دوش خود پائین می گذارید.

و از این حدیث این حکم را هم می توانیم دریابیم که در هنگام حمل میت به طرف قبرستان نیز شتاب کردن مستحب است، یعنی آرام آرام رفتن سنت نیست، بلکه شتاب در رفتن سنت است، البته نه شتابی که موجب سختی گردد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم با صراحت تام می فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِحَيْفَةِ أَنْ تَجْسَ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَهْلَهُ» (روایت از ابوداود ۲۷۴۷ و بیهقی) (نباید جنازه میت میان خانواده اش باقی بماند، و یا در تدفین آن تأخیر صورت گیرد).

همچنان در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ثَلَاثٌ لَا تُؤَخَّرُ...» (اخراج بخاری در کتاب الکبیر، و احمد و ترمذی و ابن ماجه باسند صحیح) (سه چیز را به تأخیر نیندازید، و جنازه را از جمله همین سه چیز ذکر کرده است).

شیخ البانی رحمه الله در «کتاب الجنائز» خود می نویسد: «شتاب در انتقال جنازه، برای تکفین و تدفین، واجب است. البته شتابی که با دویدن همراه نباشد و در این خصوص، احادیثی نیز آمده است: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هنگامی که جنازه آماده می شود و مردم او را روی شانه های خود حمل می کنند، اگر انسان نیکوکاری باشد می گوید: «قدمونی» مرا زودتر ببرید. و اگر انسان بد کاری باشد می گوید: وای بر من، مرا کجا می برید؟ این صدا را جز انسان، هر موجود زنده ای می شنود و اگر انسان، آن را می شنید، بیهوش می شد و به زمین می افتاد. (بخاری، نسائی، بیهقی و احمد).

عبدالرحمن بن جوشن می گوید:

در تشییع جنازه عبدالرحمن بن سمره، شرکت داشتم تعدادی از غلامانش، پیشاپیش جنازه آرام راه می رفتند، و می گفتند: آرام، آرام حرکت کنید. خداوند به شما برکت بدهد. سپس ابوبکر رضی الله عنه در یکی از کوچه های مدینه به آنها رسید و سوار بر قاطر آنها را دنبال کرد و با شلاق آنها را زد و گفت: زود بروید، سوگند به خدا در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم میت را چنان با شتاب می بردیم که گویی می دویدیم. (ابی داود، نسائی، طحاوی و حاکم. حاکم آن را صحیح دانسته است و ذهبی با او موافقت نموده است).

امام نووی می گوید:

شتاب روی در تشییع جنازه مستحب است (المجموع). بنده می گویم: چون رسول الله صلی الله علیه وسلم امر نموده اند، پس شتاب واجب است.

ابن قیم می گوید: این که مردم جنازه را آرام، آرام تشییع می کنند مخالف با سنت رسول الله و موافق با روش یهودیان است. (زاد العماد) «به فتاوی (۱۵۹۶) مراجعه کنید.

اما آنچه را که بعضی از مردم در مورد جنازه خود انجام می دهند و آن را یک یا دو روز و یا حتی بیشتر نگه می دارند، عمل آنها اشتباه است و با سنت نبوی صلی الله علیه وسلم سازگار نیست. علامه ابن عثیمین رحمه الله در این باره می گوید:

«من به این مناسبت می خواهم در مورد چیزی تذکر دهم که مردم آن را به وجود آورده اند و آن: تأخیر دفن میت می باشد تا آن که خانواده و بستگان و دوستانش از جاهای دور برسند، چه بسا (جنازه به این خاطر) یک یا دو روز باقی می ماند در حالی که هنوز تجهیز نشده است و این خطا و اشتباه است، چرا که اگر میت مؤمن باشد، پس محبوب ترین

چیز نزد وی این است تا به آنچه را که خداوند به وی وعده داده برسد، و لذا اگر مردی فوت کند و شخص صالحی باشد؛ نفسش می گوید: مرا ببرید مرا ببرید، لذا آنچه که بر خانواده میت واجب است؛ اینست تا در تجهیز و نماز خواندن بر او و تدفینش (هرچه زودتر) مبادرت ورزند، البته ایرادی ندارد یک یا دو ساعت یا مدت مشابهی منتظر بود تا کسانی که بر سر جنازه حاضر نشده اند برسند، اما به فرض که بستگان جنازه نتوانستند بر سر او حاضر شوند در اینحالت نیز ایرادی ندارد تا آنهایی (که نرسیده اند) به قبرستان رفته و بر قبرش نماز بخوانند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد زنی که مسجد را نظافت می کرد و در شبی فوت می کند و صحابه رضی الله عنهم دوست نداشتند (تا مزاحم پیامبر صلی الله علیه وسلم شوند) و وی را با خبر نمی کنند، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد آن زن از آنها پرسید، به وی گفتند: او مرده است، و ایشان فرمود: (چرا شما مرا آگاه نکردید؟) سپس فرمود: مرا نزد قبر او ببرید آنها نیز وی را نزد قبر آن زن بردند و پیامبر صلی الله علیه وسلم بر قبر او نماز خواند. بنابراین بستگان و دوستان (میت) هرگاه به نماز جنازه نرسیدند می توانند بعد از دفن بر قبر او نماز بخوانند، هرچند که مدت زمان زیادی از دفن گذشته باشد». «فتاوی نور علی الدرب».

توجه: منبع حدیث مورد استناد شیخ: مسلم (۹۵۶) و بیهقی و نسائی با سند صحیح و نسائی آن را بطور مختصر روایت کرده است.

یادداشت:

خواندن نماز در قبرستان یا مقبره و یا رو به قبر حرام است و اگر کسی در چنین جاهائی نماز بخواند باید نماز خویش را از سر تکرار کند، اما خواندن نماز جنازه در حالتی که افرادی موفق نشده اند که در مسجد یا خارج قبرستان بر وی نماز بخوانند، جایز است. (و این رأی امام ابن حزم در «کتاب الجنائز البانی»، و ابن باز در «فتاوی اللجنة الدائمة ۳۹۲/۸» و ابن عثیمین در «مجموع فتاوی - کتاب الجنائز، سوال ۸۲۱»). (۲۴۱۰) و (۲۸۲۴).

و باز شیخ ابن عثیمین می گوید: «و اگر فرض شود که تأخیر در تدفین میت چند ساعت مختصر باشد تا مردم (برای نماز و تشیع جنازه) جمع شوند، مثلاً مردم در نماز ظهر زیاد نیستند چون هر یک در سر کار خود هستند ولی در نماز عصر زیاد می شوند، در این حالت می توان با این قضیه (تأخیر) تسامح کرد، اما ماندن یک یا دو یا سه روز اشتباه و غلط است». «لقاء الباب المفتوح» (۱۳/۲۰۲).

یادداشت:

دفن میت در شرایط زیر جایز نیست (مگر آنکه ضرورتی وجود داشته باشد):

الف- دفن در اوقات سه گانه:

از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است: (ثلاث ساعات كان رسول الله صلى الله عليه وسلم ينهاها أن نصلی فیهن، أو أن نقبر فیهن موتانا، حين تطلع الشمس بازغة حتى ترتفع، و حين یقوم قائم الظهيرة حتى تمیل الشمس، و حين تضيف الشمس للغروب حتى تغرب) «سه وقت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم ما را نهی می کرد که در آن اوقات نماز بخوانیم یا مرده هایمان را دفن کنیم، هنگامی که آفتاب طلوع می کند تا وقتی که بلند شود، و وقتی که نیمه روز (ظهر) می شود تا هنگامی که آفتاب زوال کند، و وقتی که آفتاب به غروب نزدیک می شود تا آن که غروب کند». مسلم (۸۳۱).

حدیث مذکور به صراحت دال بر ممنوعیت دفن در اوقات سه گانه است. ابن حزم در «محلّی» نیز چنین فتوا داده است. واقعیت این است که حدیث، دیدگاه امام احمد را که دفن در اوقات سه گانه را مکروه می داند، تأیید می کند.

ب- دفن در شب:

دفن میت در شب در صورتی که نیازی نباشد منع گردیده است:

در حدیثی که از جابر رضی الله عنه روایت گردیده است آمده است :

«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَطَبَ يَوْمًا فَذَكَرَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ قُبِضَ فَكُفِّنَ فِي كَفَنٍ غَيْرِ طَائِلٍ وَقُبِرَ لَيْلًا فَزَجَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُقْبَرَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ يَضْطَرَّ إِنْسَانٌ إِلَى ذَلِكَ». مسلم.

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم در سخنی پیرامون یکی از اصحاب که در شب فوت کرده و در کفنی ناتمام کفن شده بود از این که میت در شب دفن شود، نهی نمود. مگر این که نیاز شدید به این کار باشد.

دلیل ممنوع بودن دفن میت در شب، شاید این باشد که ممکن است تعداد نمازگزاران در شب کم باشد. به همین خاطر فرمود: «حتی یصلی علیه» تا نمازگزاران بیشتری بتوانند در نماز جنازه شرکت کنند. این حدیث از دفن میت در شب منع می کند و مذهب امام احمد نیز طبق روایتی همین است، چنان که وی در «الانصاف» روایت می کند: «لا یفعله الا لضرورة» یعنی میت در شب، دفن نشود مگر در صورت نیاز شدید و در روایتی دیگر می گوید: دفن کردن در شب مکروه است.

اگر ضرورت ایجاب کند، می توان مرده را شبانه دفن کرد و می توان برای تسهیل عمل دفن از چراغ استفاده کرد : به دلیل حدیث ابن عباس : « أن رسول الله عليه وسلم أدخل رجلا قبره ليلا، و أسرج في قبره » «پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی را در شب دفن کرد و (برای تسهیل عمل دفن) داخل قبرش، از چراغ استفاده کرد». ترمذی (۱۰۶۳).

ادامه دارد